

علی نقی بهروزی

( شیراز )

## حواشی بر مقاله «اطلال پارس»

مقالات دقیق و سودمند دانشمند گرامی آقای ایرج افشار که با قلمی شیوا و آمیخته با انتقاد و طنز مرقوم داشته بودند ، مانند همه نوشته‌های ایشان مفید و گرانقدر بود . در هنگامی که مردم برای تفریح و خوشگذرانی به نقاط خوش آب و هوا می‌روند و در شهرها نقاط دنج را برمی‌گزینند ، آقای ایرج افشار بنقاط بد آب و هوا و راههای ناهموار سفر نموده ، به مساجد و تکایا و قبرستانها سرکشی می‌کنند و با زحمات زیاد و فشار آوردن بچشم خود کتیبه‌های کوفی و ثلث و نسخ بقاع متبرکه و یا خطوط سنگه قبور را می‌خوانند و یاد داشت برمی‌دارند به امید آنکه نقطه تاریکی از تاریخ این کشور را روشن و یا نام بزرگی را زنده سازند !

\*\*\*

من مقالات « اطلال پارس » را بدقت خواندم و حقیقه استفاده کردم و چون خودم هم به هرجا می‌روم ، پیش از هر کاری به بقاع متبرکه و مساجد و امکنه تاریخی سری می‌زنم و یاد داشتهایی برمی‌دارم ، از اینرو برای تکمیل مطالب اطلال پارس ، یادداشتهایی را که سابقاً ضبط کرده‌ام به حضور جناب ایرج افشار تقدیم می‌دارم .

\*\*\*

آقای افشار در اولین مقاله خود که در شماره سوم سال

سنگهای  
قبور

بیست و نهم مجله یغما چاپ شده است از « بولدزور » و از بین

بردن سنگهای قبور نالیده‌اند و این مسئله ایست که سه سالها بنده بنا نهایت تأسف شاهد آن بوده‌ام و تا توانستم برای حفظ آنها کوشیده‌ام ولی درینا که توفیقی نیافته‌ام !!

برای مثال چند نمونه را ذکر می‌کنم :

۱ - در روستای « ایج » ( ایگه ) قبرستانی کهنه مربوط بدوره شیانکارگان بود و از

جمله قبور آن ، قبر دانشمند مشهور « قاضی هنه‌الدین ایچی » مؤلف کتاب معروف «مواقف»

که يك چهار طاقی روی آن بود . (۱)

چند سال پیش دولت تصمیم گرفت که راهی را از اصطهبانات به داراب ، از کنار ایچ احداث کند . مهندسین بی انصاف آن راه را از وسط قبرستان مزبور گذرانیدند و با اینکه محل وسعت داشت ، مخصوصاً آنرا طوری کشیدند که قبر قاضی در وسط آن قرار گرفت و البته آنرا خراب کردند و سنگ قبر آنرا هم بدور افکندند !!  
من در سفر کوتاهی که به ایچ کردم و از این قضیه مسبوق شدم ، از سنگ مزبور جويا گشتم . گفتند در یکی از منازل است و لذا به آقائی که آنجا ملکی داشت متوسل شدم که آن سنگ را پیدا کرده درجائی ، مثلاً در مسجد جمعه و یا مدرسه نگهداری کند و او هم قول داد ولی یقین دارم که آنرا بدست فراموشی سپرده است . چون نفعی مادی در آن ملحوظ نبوده است !

۲- چند سال پیش ، بدستور جناب آقای علی اصغر حکمت که در آن وقت وزیر فرهنگ بود قرار شد که سنگهای مهم و تاریخی قبور قبرستانهای شمال شیراز را که از نظر خطو حجاری و شخصیت صاحبان آنها اهمیت دارند در تکیه هفت تنان گرد آورند و آنجا را دموزه سنگها ، قرار دهند . تا این حرف تازه بود ، پنججاه شصت سنگ را به آنجا بردند ولی بعداً نه فقط آنرا ادامه ندادند بلکه همان سنگهای جمع آوری شده راهم در کنار باغچه هفت تنان ریختند تا از صدمه باران و حوادث جوی معدوم شود !!

۳- در چند سال اخیر که بقعه شاه چراغ نوسازی شده است ، سنگهای قبور بزرگان و شمرآء و علمای بسیاری را که در داخل و خارج حرم مدفون بودند ، برداشتند . در یکی از سفرها ، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر که از برداشتن سنگهای مزبور آگاه شدند فرمودند که این سنگها را حفظ کنید . زیرا که اولاً این سنگها متعلق به مردانی است که بمنابین مختلف به این مملکت و فرهنگ این کشور خدمت کرده اند و نباید نامشان محو شود . ثانیاً این سنگها از نظر نظم و نثر و خطاطی و حجاری شاهکارهایی از هنر می باشند در بیخ است که از بین برود .

متصدیان قول دادند که آنها را حفظ کنند ولی نمی دانم تا چه حد این دستور را اجرا کرده اند .

۴- در حافظیه و قبرستانهای اطراف آن و قبرستانهایی که داخل شهر شیراز بود ، سنگ قبور بسیاری از شمرآء ، عرفاء ، مجتهدین و دانشمندان بوده است که متأسفانه امروزه اثری از آنها نیست !!

۱- قاضی عبدالدین که بطور مطلق او را « قاضی عضد » گویند مماسر حافظ بوده است و بهمین مناسبت حافظ در قطعه ای که بدین مطلع است :

بمهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق  
او راجنین ستوده است :

به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد  
بنای کار « موافق » بنام شاه نهاد  
دگر شهشه دانش عضد که در تصنیف

۵ - هم اکنون قبرستان «دارالسلام» شیراز متروکه اعلام شده است . در این قبرستان که بیش از یکهزار سال قدمت دارد ، سنگهای قیودی است که از لحاظ متن کتیبه آنها (به نثر یا به نظم) و خط (کوفی - ثلث - نسخ - نستعلیق) و حجاری شاهکار هنراست و غالباً مربوط به شخصیتها ی برجسته تاریخی است . از آنجمله دو سنگ بزرگ سفیداست که در چهار زاویه آن قبههایی است و معروف است که سنگ قبر اتابک می باشند . اگر چه در اثر محو خطوط آنها نمی توان فهمید که متعلق به کدام يك از اتابکان است ولی خود سنگ چیز نفیسی است .

با وجودی که سال گذشته من به شهرداری شیراز تذکر دادم که این قبرستان را با داشتن اینهمه سنگهای مهم و تاریخی مانند سایر قبرستانها از بین نبرند و سنگهای آنرا حفظ کنند ولی بیم آن دارم که گوششان باین تذکر بدهکار نباشد .

\*\*\*

بستان بزرگ جنوبی این مسجد که باطاق بسیار

مرتفع آن شبیه طاق کسری است ، محرابی دارد که اطراف

مسجد جامع

کبیر فی ریز

آنرا با اقسام خطوط گچ بری کرده اند که بنظر من بسیار ممتاز است و اگر چه قسمتهایی از آن ریخته ولی قسمت عمده آن سالم است .

این خطوط کوفی - ثلث - نسخ و نستعلیق است و در نهایت زیبایی می باشند . خط کوفی آن خوانده نشد .

اطراف محراب با خط نسخ اسامی دوازده امام نوشته شده که ابتدای آن از بالای محراب شروع می شود .

آغاز آن چنین است : اللهم صل علی محمدالمصطفی ... و آخر آن . الحجة القائم - حجة الله .

در بدنه محراب این تاریخچه بخط نسخ نوشته شده است ولی متأسفانه برخی از کلمات آن ریخته است .

تاریخ محراب اول : فی سنة ثلث و ستین و ثلث مائة (۳۶۴) ودوم فی سنة ستین و اربع مائة (۴۶۰) وسوم فی سنة ستین و خمس مائة (۵۶۰) وچهارم . امر المولی... الملك... الدنيا والدين عز نصره فی جمادی الثانی... امر عمارت جمع الجامع و رتب... فیها... و اصلاح... المبدالسیدالشهیدالمرحومالمغفور... الملك (الملا... )الدين والدنيا روزبه بن محمدروح الله روحه و عمارة هذا المحراب امر صاحب الصدرالمالی... امیرالحاج ، بتجدید... کتبه... علی ابن المرتضی فی شهر سنة ۹۴۶ .

و این شعر هم بخط نستعلیق در محراب گچ بری شده است :

در گلشن ولای علی سرو و یاسمن      سروش حسین آمده و یاسمن حسن  
زین العباد ، باقر و صادق در این چمن      چون موسی و رضا گل و نسرین و نسترین  
سوسن تقی ، نقی و عسکری یاسمن ( کذا )

\*\*\*

## کازرون

در شهر کازرون بناهای تاریخی و آرامگاههای متعددی است که چه از نظر شخصیت‌های عرفانی و مذهبی و چه از لحاظ

تاریخی اهمیت زیادی دارند.

من از سی سال به اینطرف برای حفظ و مرمت آنها به بسیاری از مقامات متوسل شده‌ام و حتی آقای مصطفوی یکی از نامه‌های مرا که در این خصوص به انجمن آثار ملی نگاشته‌ام در کتاب «اقلیم پارس» نقل کرده است.

اما بسیاری از آثار باستانی مانند رواقها و شبستانهای خانقاه شیخ امین‌الدین در عرض این مدت از بین رفته است.

در اینجا برخی از کتیبه‌های بناهای تاریخی کازرون را نقل می‌کنم:

۱- آرامگاه شیخ مرشد - آرامگاه شیخ ابواسحاق معروف به «شیخ مرشد» از بناهای قدیمی کازرون است که در قرن چهارم هجری ساخته شده است و جنب مسجدی است که بدست خود شیخ بنا شده و قدیمترین مسجدی است که در کازرون بنا شده است.

در جلو مسجد حوض مدوری بود که از آب قنات «رضی‌آباد» پر می‌شد و بمصرف مشروب کردن باغهای کازرون می‌رسید. طبق نوشته کتاب فردوس‌المرشدیه این حوض را که «سقایه» نامیده می‌شد مادر شیخ امین‌الدین از فروش دست‌بند و النگوی خود ساخت. اما چند سال پیش، چون آب قنات رضی‌آباد خشک شد، آن حوض را هم پر کردند! چند سال پیش که من بکازرون رفتم روی قبر شیخ مرشد دو قطعه سنگ بود. روی سنگ اول نوشته شده بود:

«هذا مرقد الشیخ العارف المحقق المقتدا القاری کلام الله» و دور آن این کلمات خوانده شد «عارف بحق مرشد دین محمدی».

روی سنگ دیگر که قطعاً مربوط به بعد از زمان شیخ مرشد است (۱) نوشته شده بود «... و کفیل مصالح المؤمنین و المسلمین رکن الملة و الحق و الدنيا و الدین ... کانه فی شهر سنه احدى فسمین فسمائة (کذا) و صلی الله علیه... آرامگاه شیخ مرشد را دو سال پیش مختصر تعمیر نمودند.

۲- آرامگاه شیخ امین‌الدین - بعد از شیخ مرشد بزرگترین عارفی که در کازرون بوده و خانقاه مفصلی داشته شیخ امین‌الدین است که معاصر شاه شیخ ابواسحاق اینجو و خواجه حافظ شیرازی بوده است.

خواجه حافظ در قطعه‌ایکه بدین مطلع است:

بمهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق به پنج شخص سبب ملک فارس بود آ باد

می‌گوید:

دگر بقیه ابدال شیخ امین‌الدین که یمن همت او کارهای بسته گشاد و ابوالعباس احمد بن ابی‌الخیر زرکوب در کتاب «شیرازنامه» فصل مشیمی از هلو

مقام و مکارم اخلاق و کرامات او نقل کرده است .

خانقاه شیخ امین الدین در پای کوه شمالی کازرون است و شبستانها و رواقها و اطاق های زیادی داشته است که دیوارها و بعضی طاقهای آن تا چند سال پیش باقی بود . ولی عاقبت بقول آقای افشار ، طعمه ، بولدوزور ، گردید و با خاک یکسان شد .

مطالعاتی که من در محل انجام دادم و سنگهای کلان آنرا با سنگهای آتشفشانی پیشابور مقایسه و مطابقت نموده ام معتقد شده ام که این محل ، پیش از آنکه بسعی شیخ مرشد و جانشینان او ، مردم زردشتی مذهب کازرون را مسلمان کنند ، آتشفشانی بوده و بعدها بکوشش شیخ امین الدین بشکل خانقاه درآمده است .

این خانقاه خیلی مفصل بوده ولی اکنون فقط اطاق کوچکی که قبر شیخ در آن است سالم و باقی است .

کتیبه لوح مزار بخط ثلث و چنین است :

«شیح الاسلام و السادة فی زمانه بین المسلمین امین الملة و الدین محمد بن الشیخ الربانی -  
عارف الصمدانی ، سید ذین الملة و الدین علی ابن الشیخ الاسلام و المسلمین امام السالکین ، ضیاء  
الملة و الشریفة الدین ، سید مسعود الدین جواد السلامی الخراسانی .»  
پا همین سنگ مزار این کتیبه را دارد :

اجاب دعوة الله فی الاربعاء حادی عشر ذی قعدة الحرام خمس و اربعین و سبعمائة (۷۴۵)  
و کان عمره سبعاً و سبعین .

کتیبه پشت مزار بخط کوفی و چنین است :

سئل عن رسول الله ابی المباد افضل درجة عند الله قال اذا کرون الله کثیراً و اذا کرات .

کتیبه جلو مزار چنین است :

سئل عن رسول الله افضل درجة عند الله

قال المفردون - قال و ما المفردون قال لا اله الا الله . . .

۳- بقعه سید محمد نودانی - این بقعه که مدفن امامزاده ایست که او را « سید محمد

نودانی و سید محمد نوربخش بن موسی الکاظم » نامند و بالای تلی در مشرق کازرون قرار دارد .

بتازگی این بقعه را نوسازی کرده اند و از بنای سابق آن اثری نیست - فقط در کنار

قبر قطعه سنگی دیده شد که این عبارت روی آن نوشته شده بود :

الشهید و ابن المسموم - هذا قبر سید محمد نوربخش بن موسی الکاظم فی شهر سفر المظفر

سنه ۲۰۶ . (هجری قمری) - دور این سنگ آیه ( الله نور السموات و الارض . . . ) نوشته شده است .

۴ - قبر عارف و شاعر معروف کازرونی بنام « حاج محمد کاظم - گلین » که از

عرفای قرن سیزدهم هجری است در شهر کازرون در محلی بنام « حاج کاظمی » قرار دارد .

حاج محمد کاظم در سن چهارده سالگی از موطن خود کازرون بزم سیر و سیاحت و رسیدن

پخدمت مرشد و سیر آفاق و انفس عزیزت نموده و در سن هفتاد سالگی بکازرون مراجعت کرده است. در این مدت هندوستان و عراق و شامات و حجاز و بعضی از نقاط ایران را سیاحت کرده است. گلبن پس از مراجعت بکازرون معتکف می‌شود و بگفتن اشعار می‌پردازد. کراماتی هم از او نقل می‌کنند که یکی از آنها در ضمن کتیبه قبر او ذکر شده است. کتیبه سنگ قبر او چنین است:

کل شیء هالك الا هو الباقی - صاحب این مقام بدیع و تربت رفیع از وارستگان قلمرو وجود و نظار گیان جمال الشهود است. فاضلی آزاده و حکیمی افتاده بود. از سالکان واصل و عارفان کامل است. هوحاج محمد کاظم گلبن تخلص. مثنویات و اشعار حکمت آثارش مشهور که آیات و خوارق عاداتش در السنه و افواه و نزدیک و دور. جنابش مرجع اهل عرفان و صوفیان صفوت نشان بوده و سر ارادت به آستانه حضرت نعمت‌الله میسوده. افقر سادات عبدالوهاب تخلص سعیدی نگارنده این تاریخ به تربتش اعتمادی تام و بصدق نیتش اعتقادی مالا کلام است. از آنجا که جناب مستطاب جلالتمآب حامی ملت والدين قدوة الاحرار والمجاهدين آقا خواجه عبدالله ناصر دیوان دام توفیقاته بتعمیر مزارات اولیاء دین مبین و بقاع متبرکه امامزادگان و اهل یقین بذل اهتمام کافیه اداء و افیه دارند بواسطه ارادت و کشف کرامتی که با سوابق موروثی و شخصی از مزار فیض آثار این بزرگوار فرموده بودند از این احقر درویشان و بنده در گاه ایشان تاریخی خواستند که بر این لوح نقش و مرسم فرموده تا نام نامی این بزرگوار بیادگار بماند. فقیر در مقام فحس برآمد و اصل وفات این بزرگوار نیافت لذا همواره از باطن فیض موطن آن بزرگوار همت می‌خواست که سال وفاتش را بی‌کم و کاست بنگارد. شبی پس از فرایض و سنن رایجه به این نیت خوابیدم و جنابش را در واقعه دیدم - تاریخش را خواستم - پاسخ شنیدم که: «والعاقبة للمتقين»

از خواب برجستم - قلم جستم - حساب کردم - عدد گرفتم تا یک هزار و دو بیست و هفتاد فوت آن جناب افتاد - ارچو که خداوند غفور بر سر کات روح و ریحان و نعمت جاویدان آن مرحوم بیفزاید و جناب ناصر دیوان که موجب عمران این بنیان خجسته است بتوفیقات خاصه خود موید و موفق فرماید. فی بیست و هفتم شهر ربیع الثانیه هزار و سیصد و سی و شش هجری نبوی علیه السلام ۱۳۳۶.

توضیح آنکه ناصر دیوان که بعدها به «ناصر لشکر» ملقب شده و بانی آرامگاه گلبن است در سال ۱۳۵۴ هجری قمری وفات یافته و در جوار آرامگاه گلبن مدفون گردیده است.

۵ - در شهر کازرون و حومه، قبور بزرگان و عرفای دیگری هم قرار دارد که بنده نتوانسته‌ام کتیبه‌های آنها را (اگر داشته باشند) بخوانم مهمترین آنها عبارتند از:

۱- قبر شیخ زین‌الدین علی (پدر شیخ امین‌الدین) در محله علیای کازرون.  
 ۲- قبر عارف کامل «شیخ اوحیدالدین عبدالله بلیانی» در روستای بلیان که یکفرسنگی مشرق کازرون است.

۳- قبر دانشمند معروف «ملاجلال‌الدین - علامه دوانی» در روستای دوان دو فرسنگی شمال کازرون.